تحلیل مشارکت اجتماعی در تهران
(رویکرد خرده ـ فرهنگ دهقانی راجرز)

میرطاهر موسوی*

طرح بحث: *در زمینهٔ مشارکت اجتماعی دو رویکرد اساسی روان‌شناختی و جامعه‌شناختی وجود دارد. در این مقاله، نظرات یکی از صاحب‌نظران رویکرد روان‌شناختی به نام راجرز مورد بررسی قرار می‌گیرد و سعی می‌شود نظریهٔ راجرز از لحاظ واقعیت‌های مسلط بر جامعهٔ ایران در طول دهه‌های گذشته (از لحاظ جغرافیایی، تاریخی، اجتماعی، فکری، فرهنگی و روان‌شناختی) مورد آزمون تجربی قرار گیرد و اینکه آیا این رویکرد نظری تبیین‌کننده واقعیت موجود در زمینه مشارکت اجتماعی در ایران می‌باشد یا خیر؟*

روش تحقیق: *روش بررسی تلفیقی از روش کتابخانه‌ای و میدانی است که در بررسی میدانی جامعهٔ آماری را شهروندان ۱۵ سال به بالا ساکن شهر تهران تشکیل می‌دهند.*

یافته‌ها: *بین ویژگی‌های شخصیتی افراد (ویژگی‌های خرده‌فرهنگ دهقانی) و مشارکت اجتماعی تاحدی رابطهٔ معنی‌داری وجود دارد. چنان‌که داده‌ها نشان می‌دهد بین خرده‌فرهنگ دهقانی و تمایل ذهنی به مشارکت اجتماعی رابطهٔ معنی‌داری وجود دارد؛ به‌طوری‌که جهت رابطه منفی می‌باشد.*

نتیجه: *هرچه افراد دارای خرده‌فرهنگ دهقانی کمتری باشند تمایل ذهنی بیشتری به مشارکت اجتماعی دارند.*

کلید واژه‌ها: مشارکت اجتماعی، اعتماد، تقدیرگرایی، خرده‌فرهنگ دهقانی، محلی‌گرایی

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۴/۷/۱۹ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۴/۱۱/۲۶

* دکترای جامعه‌شناسی، عضو هیأت علمی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی <welfarecenter@uswr.ac.ir>

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-31]

مقدمه

توسعه در معنای عام، فرآیند تحولی پیچیده و همه‌جانبه و برنامه‌ریزی شده است که در زندگی اجتماعی ـ اقتصادی، سیاسی و فرهنگی یک جامعه رخ می‌دهد و آن را از وضع موجود به وضع مطلوب هدایت می‌کند. پذیرش مفهوم جدید توسعه و تلاش در جهت تحقق آن، قبول ویژگی‌های عصر عقلانیت و خردورزی است و در آن کنش منطقی و حسابگری و برنامه‌ریزی نهفته است؛ به‌طوری‌که برای تنظیم روند هر نوع توسعه، لازم است که بین اهداف و وسایل دست‌یابی به آنها هماهنگی ایجاد شود و از تمامی منابع و امکانات طبیعی و انسانی بالقوه به صورت مطلوب و حساب‌شده بهره‌برداری شود و تمامی این منابع در ابعاد مختلف خود ارزش گذاشته‌شود.

کمتر برنامه‌ریزی ملی و بین‌المللی وجود دارد که یکی از بخش‌های مهم آن مشارکت و انگیزش اجتماعی مردم نباشد؛ به‌عبارتی، مشارکت از شروط لازم تحقق توسعه در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی می‌باشد که به نقش فعال و خلاق و اثربخشی مردم در روند توسعه توجه دارد. در واقع مشارکت فرآیندی است که دربرگیرندهٔ انواع کنش‌های فردی و گروهی به منظور دخالت در تعیین سرنوشت خود و جامعه و تأثیرگذاردن بر تصمیم‌گیری دربارهٔ امور عمومی است (محسنی تبریزی، ۱۳۷۵: ۵۴).

بنابراین مشارکت و انگیزش اجتماعی در ابعاد عینی، بیشتر ناظر بر بالا بردن سطح زندگی عمومی از طریق ایجاد شرایط مطلوب و بهینه در زمینه‌های فقرزدایی، تغذیه، بهداشت، مسکن، اشتغال، آموزش و چگونگی گذران اوقات فراغت است و از این جهت مقدمهٔ ضروری توسعهٔ اجتماعی به‌شمار می‌رود.

بنابراین، مشارکت و انگیزش اجتماعی می‌تواند در سطوح مختلف خرد، میانی و کلان جامعه انجام پذیرد و برحسب ملاک‌های مختلف دارای تقسیم‌بندی گوناگون باشد. اگرچه وجود مشارکت به‌لحاظ انتزاعی و نظری بسیار مهم و اساسی است ولی عملی‌کردن و به‌اجرا درآوردن مشارکت به سادگی میسر نیست. شرایط اجتماعی و سیاسی حاکم بر جامعه، نوع دید و نگاه مسئولان و برنامه‌ریزان، خلقیات و روحیات مردم، تجربیات و واقعیات گذشته

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-31]

جامعه و... بر پذیرش یا عدم پذیرش یا نحوهٔ اجرای مشارکت مؤثرند. هرچند که در این مقاله نگاه ما معطوف به خلقیات، روحیات مردم و خرده‌فرهنگ‌هایی است که در نتیجهٔ جامعه‌پذیری در طول تاریخ در نهاد افراد درونی شده است و لازمهٔ تغییر این خلقیات تغییر در ساختارهای کلان جامعه می‌باشد که به‌تدریج در شخصیت افراد تاثیرگذار می‌باشد.

۱) ضرورت تحقیق

به‌رغم بیش از چند دهه بحث‌های گسترده و عمیق دربارهٔ مشارکت به‌جرأت می‌توان گفت که هنوز هیچ تئوری کلی که به‌صورت روشن، همه یا اغلب متغیرهای مربوط به مشارکت را دربرداشته باشد ارائه نگردیده‌است. به‌نظر می‌رسد که مشارکت پدیده پیچیده‌ای است که به تعداد زیادی از متغیرهای دارای وزن نسبی متفاوت وابسته است. البته این بدان معنی نیست که هیچ مدل ادراکی را نمی‌توان برای تبیین مشارکت ارائه نمود. لازمه ارائهٔ مدل دقیق از مشارکت اجتماعی آزمون نظری و تجربی رویکردهای مختلفی است که در زمینهٔ مشارکت اجتماعی وجود دارد و با این کار اولاً میزان انطباق این رویکردها با جامعهٔ ما شناخته می‌شود و ثانیاً شناخت همه جانبه‌ای از عواملی که در مشارکت اجتماعی تاثیرگذار می‌باشند، به دست خواهدآمد.

جامعهٔ ایران به‌عنوان جامعه‌ای در حال گذار بیش از پیش نیاز به تحقق عملیاتی این مفهوم (مشارکت) به‌عنوان پیش‌نیاز توسعه و دموکراسی دارد. اگرچه نظریات مختلفی برای تبین مشارکت افراد جامعه مطرح شده ولی تاکنون الگویی جهت پیش‌بینی سطوح مختلف مشارکت اجتماعی ارائه نشده‌است. تحقیقات انجام شده در ایران نیز بیشتر در زمینه مشارکت سیاسی بوده و پژوهش‌های بسیار اندک و ناکافی در زمینه‌های مختلف مشارکت از جمله مشارکت روانی موجود می‌باشد. این مقاله با استناد به یکی از رویکردهای نظری و آزمون تجربی آن در زمینه مشارکت درصدد پاسخ به دو پرسش اساسی است.

ویژگی‌های روان‌شناختی تاثیرگذار بر مشارکت و انگیزش اجتماعی مردم در تهران کدام است و چگونه می‌توان با استفاده از متغیرهای خاصی سطوح مشارکت مردم را

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-31]

پیش‌بینی نمود؟ نتایج حاصل از این پژوهش می‌تواند مورد استفادهٔ مسئولان و برنامه‌ریزان نهادهای مدنی جهت افزایش و نهادینه کردن مشارکت و انگیزش اجتماعی مردم و همچنین در برنامه‌ریزی‌های توسعه قرار گیرد.

۲) ملاحظات نظری

در میان نظریه‌پردازان توسعه و نوسازی از راجرز می‌توان به عنوان جامعه‌شناسی نام برد که با تأکید بر متغیرهای فردی و عناصر نظام‌های شخصیتی افراد، در قالب بحث خرده‌فرهنگ روستایی به بررسی پویش‌های نوگرایی و مشارکت و عدم مشارکت در میان روستاییان پرداخته است.

به‌نظر راجرز تغییر، چیزی جز اندیشه و نظری نیست که فرد آن را جدید و نو می‌پندارد و شیوع به معنای فرآیندی است که اندیشه و نظری نو از منبعی منتشر و اشاعه می‌یابد. بنابراین، قبول یک اندیشه به معنای تصمیم به تحقق بخشیدن کامل آن است.

راجرز با توجه به تعدادی از مطالعات خود چنین نتیجه می‌گیرد که در بعضی از فرهنگ‌ها اندیشهٔ نو از دیگر فرهنگ‌ها بیشتر است. به‌نظر او فرآیند قبول یک اندیشهٔ نو که متضمن یادگیری آن اندیشه و تصمیم‌گیری درباره آن است در پنج مرحله آگاهی، علاقه، ارزش‌یابی، آزمایش و قبول اندیشه نو عینیت می‌یابد.

راجرز در تحلیل نهایی خود بر ویژگی‌های فردی، روانی و انگیزشی تأکید نموده و معتقد است که از لحاظ روانی باید نوعی آمادگی در افراد برای پذیرش تغییرات نو و جدید وجود داشته باشد که آنها را تحت عنوان وجه نظر مطرح می‌کند. این جامعه‌شناس معتقد است که عناصری چون انگیزه‌ها، ارزش‌ها و وجه‌نظرها ـ در قالب خرده‌فرهنگ دهقانی ـ عناصر اصلی و کلیدی برای فهم رفتار به‌شمار می‌آیند. به‌نظر او عناصر خرده‌فرهنگ دهقانی، عناصری هستند که مانع نوآوری و پذیرش تغییرات در جوامع می‌شوند و به تعبیری مانع تجدد، نوسازی، و همچنین مشارکت یا عدم مشارکت می‌باشند. این عناصر به قرار زیر است:

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-31]

الف) عدم اعتماد متقابل در روابط شخصی: به‌نظر راجرز یکی از ویژگی‌های مهم جوامع سنتی، عدم اعتماد متقابل، بدگمانی و حیله‌گری در روابط با یکدیگر می‌باشد هرچند که از نظر ردفیلد (Redfield, 1930:126) ممکن است در این رابطه، استثنایی وجود داشته باشد.

همچنین، تصور «خیر محدود»[1] به‌نظر راجرز سبب عدم اعتماد در روابط شخصی می‌شود چون چیزهای مطلوب در زندگی به میزان محدود و کمی وجود دارد ـ منابع محدود، خواسته‌ها نامحدود ـ و با توجه به قدرت و توانایی افراد میزان آنها را نمی‌توان افزایش داد، بنابراین دست‌یابی عده‌ای سبب محرومیت آنها می‌شود، و همین مسئله سبب بدگمانی افراد نسبت به‌یکدیگر می‌گردد.

ب) فقدان نوآوری: جوامع سنتی در عکس‌العمل نسبت به ایده‌های تازه، فاقد نوآوری می‌باشند. آنها اغلب اعمالی را که توسط اجدادشان رعایت می‌شده‌است، دنبال می‌کنند و در بسیاری موارد نسبت به شقوق دیگر شناخت و آگاهی ندارند.

ج) تقدیرگرایی[2]: راجرز تقدیرگرایی را به درجه‌ای از درک فرد نسبت به عدم توانایی‌اش در مورد کنترل آینده تعریف کرده‌است. او معتقد است دهقانان در مورد کنترل حوادث آتی دارای وجه‌نظرهایی نظیر بی‌ارادگی، بدگمانی، تسلیم، بردباری، نرمش و گریز می‌باشند، و در نتیجه روحیه تقدیرگرایی در میان آنان یکی از عواملی است که پذیرش نوسازی، تغییر و در نهایت مشارکت را مانع می‌شود.

د) پایین بودن سطح آرزوها: در جوامع سنتی میزان خواست‌ها و آرزوهای مردم بسیار پایین می‌باشد و همین امر مانع مشارکت بین افراد می‌شود. به‌نظر راجرز، منابع محدود، فرصت کم و محدود، تربیت مقتدرانه در کودکی و تاریخ طولانی استثمار توسط دیگران در جوامع سنتی سبب شده‌است که انگیزهٔ پیشرفت ناچیزی در بین مردم جوامع سنتی وجود داشته باشد.

1. Limited Good
2. Fatalism

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-31]

هـ) عدم توانایی چشم‌پوشی از منافع آنی بخاطر منافع آتی: این ارزش دلالت بر معوق گذاردن نیازهای فوری به منظور کسب نفع بیشتر در آینده دارد. در جوامع سنتی به‌خاطر عدم وضعیت مطلوب زندگی و اعتماد کم افراد منافع آنی را به منافع آتی ترجیح دهند.

و) دیدگاه زمانی محدود: در جوامع سنتی زندگی براساس ثانیه، دقیقه و یا ساعت نمی‌چرخد بلکه سنجش زمان بر طلوع و غروب خورشید، درآمدن و یا پنهان شدن ماه و یا به‌وسیله فصول و سال‌های دراز و بی‌پایان استوار است. چنانکه تاموس اشاره می‌کند: «در خاورمیانه اهمیت ندادن به عامل زمان یکی از ویژگی‌های عمده است.» (Tamous, 1956:70-79) این دیدگاه دارای تأثیرات خاص بر مشارکت خواهد بود.

ز) خانواده‌گرایی: وابستگی اهداف فردی به اهداف خانوادگی و اهمیتی که جوامع سنتی برای خانواده به‌عنوان یک گروه مرجع قائل گردیده، به‌عنوان خانواده‌گرایی تعریف شده است.

ح) وابستگی به قدرت دولت: در زندگی سنتی، نگرش نسبت به دولت‌های ملی و محلی ترکیبی از دشمنی و وابستگی به قدرت وجود دارد.

ط) دشمنی با دولت: مطالعات متعددی نشان می‌دهد که دهقانان نسبت به دولت بدگمان و بدبین هستند، در مطالعه‌ای، رابطهٔ مردم معمولی با مأموران دولتی بر اساس فاصله، دوری کردن و عدم اعتماد قرار داشته است (Dube, 1958:82, See, Levi,1947:76).

ی) وابستگی به دولت: از آن‌جا که درک مردم در جوامع سنتی از امکان خودیاری و مشارکت بسیار ناچیز است بنابراین وابستگی او به دولت بیشتر است (Lakshmana, 1963:60)

ک) محلی‌گرایی: محلی‌گرایی به میزان گرایش فرد نسبت به درون نظام اجتماعی خود تا خارج از آن اطلاق می‌گردد. جهان‌میهنی نقطهٔ مقابل محلی‌گرایی است. بنابراین در جوامع سنتی سیاست بین‌المللی و یا حتی سیاست ملی اهمیت چندانی ندارد. عواملی که می‌توانند سبب گرایش فرد به جهان‌میهنی شود عبارت‌اند از: شهرنشینی، وسایل حمل و نقل و دسترسی به وسایل ارتباط جمعی.

ل) فقدان همدلی: راجرز همدلی را به میزان توانایی فرد در تصور خویش در نقش دیگران

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-31]

تعریف کرده است. او همدلی را به عنوان عنصر مرکزی در نوسازی دهقانان می‌بیند که به‌مثابهٔ میانجی و تسهیل‌کنندهٔ سایر متغیرهای نوسازی نظیر سوادآموزی، شهرنشینی، استفاده از وسایل ارتباط جمعی و مشارکت اجتماعی و سیاسی و صنعتی‌شدن عمل می‌کند.

به نظر راجرز شیوهٔ زندگی سنتی شامل بسیاری از موانع اجتماعی روانی است که مانع نوسازی و تغییر در این جوامع می‌گردد. چنین طرز تفکر و عناصر متشکلهٔ آن را می‌توان به‌عنوان متغیر مستقل و مانع توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی فرض کرد.

راجرز تحلیل خود را متمرکز بر ویژگی‌های فردی، روانی و انگیزشی می‌کند و معتقد است که این ویژگی‌های روانی و انگیزشی افراد است که مانع مشارکت و توسعهٔ جامعه می‌شود. او از این ویژگی‌ها تحت عنوان «خرده‌فرهنگ دهقانی» نام می‌برد. بنابراین عدم وجود خرده‌فرهنگ دهقانی در افراد سبب مشارکت آنها در فعالیت‌های اجتماعی می‌شود.

۳) روش‌شناسی

۳-۱) روش مطالعه

برای آزمون نظریهٔ خرده‌فرهنگ دهقانی راجرز در شهر تهران، از نتایج مطالعهٔ تحلیل سطوح مشارکت اجتماعی و بررسی موانع مشارکت اجتماعی در کشورهای در حال توسعه (با تأکید بر ایران) به شیوهٔ اسنادی و پیمایشی استفاده شده‌است.

۳-۲) ابزار

اطلاعات مورد نظر علاوه بر مستند تاریخی با استفاده از پرسش‌نامه‌ای مشتمل بر ۷۲ سؤال پس از طی مراحل مطالعهٔ مقدماتی و پیش‌آزمون تنظیم و با مراجعه حضوری به درب منازل شهروندان تهرانی، جمع‌آوری شده‌است. پس از جمع‌آوری اطلاعات، پرسش‌نامه‌های پرشده بازبینی و پس از کدگذاری و استخراج داده‌ها، با استفاده از بستهٔ نرم‌افزاری SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-31]

۳-۳) جامعهٔآماری و روش نمونه‌گیری

حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران با توجه به جمعیت شهر تهران ۶۵۳ نفر تعیین شد، نمونه‌گیری از طریق نمونه‌گیری خوشه‌ای صورت گرفته‌است.

۳-۴) متغیرها

مفاهیمی که در این تحقیق باید تعریف نظری و عملیاتی شوند متغیرهای تحقیق هستند. «متغیرها از مهم‌ترین مباحث در تحقیقات اجتماعی و انسانی می‌باشند. هدف، شناخت علت یا عوامل پیدایی یا تغییر موضوع پژوهش است و چون تغییرپذیرند و قابل‌سنجش، آنان را متغیر می‌خوانیم» (ساروخانی، ۱۳۷۳: ۱۲۳). برای سهولت کار، متغیرهای مستقل و وابسته در جدول شمارهٔ ۱ آورده شده‌است.

جدول ۱: فهرست متغیرهای مستقل و وابسته

متغیر وابسته	تعریف مفهومی
مشارکت اجتماعی	در برگیرندهٔ انواع کنش‌های فردی گروهی به منظور دخالت در تعیین سرنوشت خود و جامعه و تأثیرنهادن بر فرآیندهای تصمیم‌گیری دربارهٔ امور عمومی است. مشارکت می‌تواند در دو سطح مطرح باشد: الف) بعد ذهنی مشارکت که همان تمایل به مشارکت اجتماعی است و ب) بعد عینی و رفتاری مشارکت اجتماعی که به‌صورت عضویت، نظارت، اجراء و تصمیم‌گیری بروز می‌کند.
متغیر مستقل	تعریف مفهومی
خرده‌فرهنگ دهقانی (سطح خرد)	عناصری چون انگیزه‌ها، ارزش‌ها و وجهه‌نظرها عوامل شخصیتی هستند که نتیجهٔ عوامل سطح کلان بر روی شخصیت افراد می‌باشد. این عناصر مانع مشارکت و در نتیجه نوآوری و پذیرش تغییرات در جوامع هستند. این عناصر عبارتند از: عدم اعتماد در روابط شخصی، فقدان نوآوری، تقدیرگرایی، پایین‌بودن سطح آرزوها، عدم توجه به آینده، خانواده‌گرایی، وابستگی به قدرت دولت و محلی‌گرایی.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-31]

۴) یافته‌ها

۴-۱) ویژگی‌های فردی پاسخ‌گویان

از مجموع ۶۵۳ نفر از شهروندان تهرانی که در این تحقیق نمونه واقع شده‌اند:
- ۳۲۷ نفر (۵۰/۱ درصد) مرد و ۳۲۶ نفر (۴۹/۹ درصد) زن بوده‌اند.
-۴۴۰ نفرمجرد و ۲۱۳ نفر متأهل می‌باشند.
- ۳۰ نفر فاقد تحصیلات رسمی، ۹۸ نفر در حد ابتدایی، ۴۸ نفر در حد راهنمایی، ۳۲۵ نفر در حد دبیرستان و دیپلم و ۱۵۲ نفر در حد دانشگاه می‌باشند.
- ۱۴۳ نفر در زیرمجموعهٔ علوم تجربی، ۱۹۶ نفر در زیر مجموعهٔ علوم انسانی و ۱۳۸ نفر در زیر مجموعه علوم ریاضی تحصیل می‌کنند.
- ۲۹۴ نفر شاغل، ۱۲۹ نفر خانه‌دار، ۴۷ نفر بازنشته، ۲۶ نفر دانشجو، ۹۶ نفر بی‌کار، ۶۱ نفر دانش‌آموز هستند.
- ۲۹۴ نفر آنان در حال حاضر مشغول به‌کار بوده‌اند که از این تعداد، اکثریت (۳۵ درصد) کارمند دفتریِ غیربدنی هستند.
- ۳۲/۶ درصد پاسخ‌گویان حدود ۱۰۰ تا ۱۵۰ هزار تومان و بعد از آن ۲۱ درصد پاسخ‌گویان حدود ۳۰۱ هزار تومان و بالاتر درآمد دارند.

۴-۲) خرده‌فرهنگ دهقانی

عناصری چون انگیزه‌ها، ارزش‌ها و وجه‌نظرها عوامل شخصیتی هستند که متأثر از عوامل سطح کلان برروی شخصیت افراد می‌باشد.

در این تحقیق پنج شاخص برای سنجش خرده‌فرهنگ دهقانی به‌طورکلی در سطح خرد جامعه در نظر گرفته شده‌است. برای هر شاخص تعدادی گویه در اختیار پاسخ‌گویان قرار داده شده تا میزان موافقت و مخالفت خود را با آنها مشخص نمایند.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-31]

۱-۲-۴) عدم اعتماد در روابط شخصی

– از ۶۵۳ نفر پاسخ‌گو، اکثریت یعنی۲۵۲ نفر (۳۸/۶ درصد) معتقدند مردم تا حدودی قابل اعتماد هستند.

– اکثریت یعنی ۴۴/۴ درصد پاسخ‌گویان بیان کرده‌اند که ظاهر و باطن مردم یکی نمی‌باشد و تنها ۷ درصد مردم اعتقاد داشتند که ظاهر و باطن مردم در حد زیاد یکسان می‌باشد.

– اکثریت یعنی ۴۵/۳ درصد پاسخ‌گویان اعتقاد داشتند در صورت بروز فرصت، مردم از فرصت‌های به‌دست آمده سوءاستفاده می‌کنند.

– جمع‌بندی سه گویهٔ قابل اعتماد بودن مردم، یکی بودن ظاهر و باطن مردم و سوءاستفاده از فرصت‌ها نشان می‌دهد که اکثریت یعنی ۴۶/۶ درصد مردم اصلاً قابل‌اعتماد نمی‌باشند.

۲-۲-۴) فقدان نوآوری

– از ۶۵۳ نفر پاسخ‌گو، ۴۶۳ نفر(۷۰/۹ درصد) با گویه مورد نظر دربارهٔ تغییر شیوهٔ کار ابراز مخالفت کرده‌اند.

– اکثریت یعنی ۵۷/۱ درصد پاسخ‌گویان با گویه دربارهٔ خطر قبول شیوه‌های جدید کار موافق و معتقد بودند که نباید دست به خطر و ریسک زد.

– اکثریت پاسخ‌دهندگان یعنی ۵۰۵ نفر(۷۷/۳ درصد) با گویهٔ وجود منابع محدود و عدم دسترسی به این منابع نظر موافق داشتند.

– جمع‌بندی سه گویهٔ تغییر شیوه کار، خطر قبول شیوه‌های جدید و منابع محدود و عدم دسترسی به آن نشان می‌دهد که اکثریت، یعنی ۵۷/۱ درصد پاسخ‌گویان، فاقد نوآوری هستند و مخالفت خود را با نوآوری ابراز داشته‌اند.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-31]

۴-۲-۳) تقدیرگرایی

- از ۶۵۳ نفر پاسخ‌گو، ۳۳۷ نفر (۵۱/۶ درصد) معتقدند مدار دنیا بر نظم نمی‌چرخد.
- ۵۴/۵ درصد پاسخ‌گویان معتقد به شانس و اقبال نیستند.
- جمع‌بندی دو گویهٔ بی‌نظمی مدار دنیا و موفقیت ناشی از شانس و اقبال نشان می‌دهد که اکثریت یعنی ۴۸۴ نفر(۷۴/۱ درصد) پاسخ‌گویان به شانس و اقبال اعتقاد دارند.

۴-۲-۴) عدم توجه به آینده

- از ۶۵۳ نفر پاسخ‌گو، ۳۳۷ نفر(۵۱/۶ درصد) معتقدند مدار دنیا بر نظم نمی‌چرخد.
- ۴۶۳ نفر(۷۰/۹ درصد) از پاسخ‌دهندگان نیز با گویه دربارهٔ ضرورت تغییر شیوه کار نظر ابراز مخالفت کرده‌اند.
- جمع‌بندی دو گویهٔ بی‌نظمی مدار دنیا و تغییر شیوه کار نشان می‌دهد که اکثریت یعنی ۸۴/۱ درصد پاسخ‌گویان نسبت به آینده بی‌توجه نمی‌باشند.

۴-۲-۵) خانواده‌گرایی

- نتایج به‌دست آمده از پاسخ‌گویان نشان می‌دهد که اکثریت، یعنی ۴۱/۸ درصد پاسخ‌گویان، در حد متوسط با طایفه‌گرایی در استخدام موافقت دارند.
- نتایج به‌دست آمده از پاسخ‌گویان نشان می‌دهد که اکثریت یعنی ۳۳/۴ درصد پاسخ‌گویان در حد متوسط با گویه دربارهٔ رأی دادن در انتخابات براساس طایفه موافقت دارند.
- جمع‌بندی دو گویهٔ طایفه‌گرایی در استخدام و رأی دادن در انتخابات بر اساس طایفه‌گرایی نشان می‌دهد اکثریت یعنی ۳۸/۷ درصد پاسخ‌گویان تاحدی موافق، ۳۱/۵ درصد در حد کم، ۱۸/۵ درصد اصلاً با این شاخص موافق نمی‌باشند.

۴-۲-۶) وابستگی به قدرت دولت

- ۷۲/۳ درصد با این گویه اطاعت بی‌چون و چرا از مسئولین موافق نمی‌باشند.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-31]

– ۳۸۹ نفر (۵۹/۶ درصد) پاسخ‌گویان معتقدند که مقامات بالا هستند که در جامعه تعیین‌کننده می‌باشند.

– ۳۷۸ نفر(۵۷/۹ درصد) با گویه ضرورت بالا بودن زور بر سر مردم برای انجام کارها مخالف بودند.

– جمع‌بندی سه گویهٔ اطاعت بی‌چون‌وچرا از نظر مسئولین، تعیین‌کننده بودن مقامات دولتی و بالا بودن زور بر سر مردم برای انجام کارها نشان می‌دهد که اکثریت، یعنی ۳۹۲ نفر(۶۰ درصد) با شاخص وابستگی به قدرت دولت مخالف می‌باشند.

جمع‌بندی گویه‌های شش‌گانهٔ خرده‌فرهنگ دهقانی نشان می‌دهد، اکثریت تاحدی دارای این خرده‌فرهنگ می‌باشند (۱۰/۶ درصد زیاد و ۳۱/۱ درصد کم)، هر چند از میان شش گویه با دو گویه موافق می‌باشند؛ بدین صورت که بی‌توجه به آینده و همچنین وابسته به قدر ت دولت نیستند، ولی در بقیهٔ موارد افراد سنتی دارای عدم اعتماد در روابط شخصی، فاقد نوآوری، تقدیرگرا و خانواده‌گرا هستند.

۳-۴) مشارکت اجتماعی

مشارکت در برگیرنده انواع کنش‌های فردی و گروهی به‌منظور دخالت در تعیین سرنوشت خود و جامعه و تأثیر نهادن بر فرآیندهای تصمیم‌گیری دربارهٔ امور عمومی است. مشارکت می‌تواند در دو سطح مطرح شود:

الف) بُعد ذهنی مشارکت که همان تمایل به مشارکت اجتماعی است.

ب) بعد عینی و رفتاری مشارکت اجتماعی که به‌صورت عضویت، نظارت، اجراء و تصمیم‌گیری بروز می‌کند.

برای سنجش مشارکت در بعد ذهنی هشت گویه، و مشارکت در بعد عینی دوازده گویه در نظر گرفته‌شده و در اختیار پاسخ‌گویان قرار داده‌شد.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-31]

۱-۳-۴) بعد ذهنی مشارکت

- ۸۳/۸ درصد پاسخ‌گویان با گویهٔ عدم اعتماد به دیگران در این روزها موافق می‌باشند.
- ۸۰/۴ درصد پاسخ‌گویان با این نظر که باید از مشورت دیگران صرف‌نظر کرد ابراز مخالفت کرده‌اند.
- اکثریت یعنی ۷۲ درصد پاسخ‌گویان با انجام کارها به‌صورت فردی موافق می‌باشند و معتقدند کارها بهتر است به‌صورت جمعی انجام شود.
- اکثریت یعنی ۷۵/۷ درصد پاسخ‌گویان با گویه اولویت منافع فردی بر جمعی ابراز مخالفت کرده‌اند و برعکس معتقدند که باید منافع جمع بر فرد اولویت داشته‌باشد.
- از ۶۵۳ نفر پاسخ‌گو، ۸۱/۲ درصد پاسخ‌گویان با گویهٔ ضرورت توجه به پیشرفت فردی موافق می‌باشند.
- اکثریت یعنی ۸۲/۵ درصد پاسخ‌گویان معتقدند هرکس مسئول زندگی خود می‌باشد.
- اکثریت یعنی ۵۱/۸ درصد پاسخ‌گویان نیز معتقدند که برای حل مشکلات باید از کمک دیگران بهره‌مند شد.
- اکثریت یعنی ۶۲/۵ درصد پاسخ‌گویان معتقدند که مشکلات باید توسط دولت حل شود تا دست خود مردم.
- جمع‌بندی گویه‌های هشت‌گانه شاخص ذهنی مشارکت اجتماعی نشان می‌دهد که اکثریت یعنی ۶۵/۲ درصد پاسخ‌گویان تاحدودی از لحاظ ذهنی مشارکتی می‌باشند (۷/۴ درصد مشارکت کامل و ۳۰ درصد عدم مشارکت)

۲-۳-۴) بعد عینی مشارکت اجتماعی

در این تحقیق مشارکت اجتماعی در بعد عینی به‌صورت سه شاخص در نظر گرفته شده است: مشارکت در نهادها، مشارکت در خرید اوراق مشارکت و مشارکت در ایام مذهبی.

الف) مشارکت در نهادها

- از مجموع ۶۵۳ نفر پاسخ‌گو، ۵۰۹ نفر(۷۷/۹ درصد) پاسخ‌گویان عضو انجمن اولیا و

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-31]

مربیان مدرسه نمی‌باشند.

- از مجموع ۶۵۳ نفر، اکثریت یعنی ۹۲/۳ درصد در کارگاه‌های تولیدی عضویت ندارند.
- ۶۱۲ نفر(۹۳/۷ درصد) در شرکت‌های تعاونی عضویت ندارند.
- ۶۳۷ نفر(۹۷/۵ درصد) پاسخ‌گویان در این صندوق‌های مالی عضویت ندارند.
- ۶۲۶ نفر(۹۵/۹ درصد) پاسخ‌گویان در این اتحادیه‌های صنفی عضویت ندارند.
- ۶۲۷ نفر (۹۶ درصد) پاسخ‌گویان در شوراهای اسلامی محل عضویت ندارند.
- ۵۴۶ نفر (۸۳/۶ درصد) در مؤسسات عام‌المنفعه عضویت ندارند.
- ۵۴۳ نفر (۸۳/۲ درصد) پاسخ‌گویان در بسیج عضویت ندارند.
- ۶۳۵ نفر (۹۷/۲ درصد) پاسخ‌گویان در احزاب مختلف عضویت ندارند.
- جمع‌بندی گویه‌های شاخص عضویت در نهادها و مؤسسات نشان می‌دهد که تنها ۷ درصد در این نهادها و مؤسسات عضویت دارند.

ب) کمک مالی به نهادها و مؤسسات: توزیع فراوانی شاخص مورد نظر نشان می‌دهد که اکثریت (۹۴/۹ درصد) کمکی به نهادها و مؤسسات انتفاعی و غیرانتفاعی ندارند.

ج) شرکت در جلسات نهادها و مؤسسات: توزیع فروانی شاخص کمک مالی به نهادها و مؤسسات نشان می‌دهد که اکثریت (۹۶/۳ درصد) هرگز در جلسات نهادها و مؤسسات شرکت نمی‌کنند.

د) شرکت در تأسیس نهادها و مؤسسات: توزیع فروانی شاخص کمک مالی به نهادها و مؤسسات نشان می‌دهد که اکثریت(۹۸/۳ درصد) هرگز در جلسات تأسیس نهادها و مؤسسات شرکت نمی‌کنند.

هـ) مشارکت در نهادهای مدنی: جمع‌بندی چهار شاخص مذکور نشان می‌دهد که اکثریت۹۱/۶ درصد پاسخ‌گویان در نهادهای مدنی مشارکتی ندارند.

و) خرید اوراق مشارکت: ۸۷/۱ درصد پاسخ‌گویان بیان کرده‌اند که اوراق مشارکت را خریداری نکرده‌اند.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-31]

ز) مشارکت در ایام مذهبی: توزیع فراوانی شاخص مشارکت در ایام مذهبی نشان می‌دهد که اکثریت (۵۴/۵ درصد) تا حدودی در این مراسم شرکت می‌کنند. (۳۶/۳ درصد زیاد، ۶/۷ درصد کم و ۲/۵ درصد اصلاً).

جمع‌بندی سه شاخص مشارکت در نهادهای مدنی، مشارکت در خرید اوراق مشارکت و مشارکت در ایام مذهبی نشان می‌دهد، که اکثریت یعنی ۸۱/۲ درصد پاسخ‌گویان در نهادهای مدنی مشارکت ندارند.

هر یک از جنبه‌های مختلف مشارکت به عوامل مختلفی بستگی دارد. بررسی عوامل مختلفی که برروی مشارکت اجتماعی افراد تأثیرگذار می‌باشند، یکی از نکات بسیار مهمی است که در تحلیل مشارکت اجتماعی به‌عنوان متغیر وابسته باید مد نظر قرار داد. در غیر این‌صورت هرگونه تحلیل پیرامون مشارکت اجتماعی وافی به مقصود نخواهد بود و ما را در شناخت عوامل دخیل در مشارکت اجتماعی یاری نخواهد کرد. در این مقاله با توجه به اینکه هدف ما آزمون نظریه خرده‌فرهنگ دهقانی می‌باشد بنابراین تنها به عامل روان‌شناختی تأثیرگذار در مشارکت اجتماعی توجه شده است.

در این تحقیق مشارکت اجتماعی در بعد ذهنی به‌عنوان متغیر وابسته، در سطح ترتیبی با سه گزینه مشارکت کامل، مشارکت در حد متوسط و عدم مشارکت در نظر گرفته شده است.

برای سنجش متغیر وابسته از هشت‌گویهٔ عدم اعتماد به دیگران در این روزها، عدم توجه به مشورت دیگران، انجام کارها به‌صورت فردی، اولویت منافع فردی بر جمعی، پیشرفت فردی، مسئولیت فردی، عدم تأثیرگذاری جمع در حل مشکلات و حل مشکلات توسط دولت استفاده شده است.

نتایج به‌دست آمده از توزیع فراوانی پاسخ‌گویان نشان می‌دهد که اکثریت یعنی ۶۵/۲ درصد پاسخ‌گویان از لحاظ ذهنی در حد متوسط آماده برای مشارکت می‌باشند.

در جدول شمارهٔ ۲ آزمون معنی‌داری رابطهٔ بین متغیرهای مستقل و مشارکت اجتماعی در بعد ذهنی به‌عنوان متغیر وابسته آورده شده است.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-31]

جدول۲: آزمون معنی‌داری رابطه بین مشارکت ذهنی و سایر متغیرهای مستقل

متغیرهای مستقل		سطح معنی‌داری	تا او بی کندال	یو من ویتنی
خرده فرهنگ دهقانی	فقدان نوآوری	۰/۰۰۰	–	۴۱۱۳۴/۵۰۰
	تقدیرگرایی	۰/۰۰۲	–	۳۵۵۱۱/۰۰۰
	عدم توجه به آینده	۰/۰۰۰	–	۲۳۰۵۰/۵۰۰
	خانواده‌گرایی	۰/۰۰۸	۰/۰۹۵	–
	وابستگی به قدرت دولت	۰/۰۰۰	–	۴۴۱۲۱/۰۰۰
	عدم اعتماد در روابط شخصی	۰/۰۰۲	-۰/۱۱۶	–
	شاخص خرده‌فرهنگ دهقانی	۰/۰۰۰	-۰/۱۹۸	–

در این تحقیق مشارکت اجتماعی در بعد عینی به‌عنوان متغیر وابسته، به‌صورت سه شاخص در نظر گرفته شده‌است: شاخص مشارکت در نهادها، مشارکت در خرید اوراق مشارکت و مشارکت در ایام مذهبی.

شاخص مشارکت در نهادهای مدنی تحت چهار شاخص دیگر سنجیده می‌شود: عضویت در نهادها در سطح متغیر اسمی، کمک مالی به نهادها در سطح متغیر ترتیبی، شرکت در جلسات نهادها در سطح ترتیبی و شرکت در تأسیس نهادها در سطح اسمی.

برای سنجش چهار متغیر وابسته از نه گویهٔ انجمن اولیا و مربیان مدرسه، کارگاه‌های تولیدی و غیره، شرکت‌های تعاونی، صندوق‌های مالی برای کمک به تولید، اتحادیهٔ صنفی، شورای اسلامی محله، فعالیت‌های عام‌المنفعه، نیروی مقاومت بسیج، و احزاب استفاده شده است.

نتایج به‌دست آمده از توزیع فراوانی پاسخ‌گویان نشان می‌دهد که اکثریت پاسخ‌گویان از لحاظ عینی یعنی عضویت، کمک مالی، شرکت در جلسات و تأسیس نهادها مشارکت بسیار کمی دارند.

در جدول شمارهٔ ۳ آزمون معنی‌داری رابطه بین متغیرهای مستقل و عضویت در نهادها به‌عنوان متغیر وابسته آورده شده است.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-31]

جدول ۳: آزمون معنی‌داری رابطهٔ بین مشارکت در نهادهای مدنی و سایر متغیرهای مستقل

متغیرهای مستقل		سطح معنی‌داری	خی دو	کراسکال والیس
خرده فرهنگ دهقانی	فقدان نوآوری	۰/۰۱۷	۵/۷۴۲	–
	تقدیرگرایی	۰/۳۷۴	۰/۷۹۲	–
	عدم توجه به آینده	۰/۴۹۸	۰/۴۵۹	–
	خانواده‌گرایی	۰/۱۶۰	–	۵/۱۶۱
	وابستگی به قدرت دولت	۰/۷۷۷	۰/۰۸۰	–
	عدم اعتماد در روابط شخصی	۰/۳۳۷	–	۳/۳۸۰
	شاخص خرده‌فرهنگ دهقانی	۰/۲۲۱	–	۳/۰۱۸

شاخص مشارکت در خرید اوراق مشارکت با یک گویه در سطح اسمی سنجیده شده است. از پاسخ‌گویان سؤال شد: «آیا تاکنون اوراق مشارکت خریداری کرده‌اید؟».

نتایج به‌دست آمده از توزیع فراوانی پاسخ‌گویان نشان می‌دهد که اکثریت یعنی ۸۷/۱ درصد پاسخ‌گویان از لحاظ عینی یعنی خرید اوراق مشارکت، مشارکت بسیار کمی دارند.

در جدول شمارهٔ ۴ آزمون معنی‌داری رابطهٔ بین متغیرهای مستقل و مشارکت در خرید اوراق مشارکت به‌عنوان متغیر وابسته آورده شده است.

جدول ۴: آزمون معنی‌داری رابطهٔ بین خرید اوراق مشارکت و سایر متغیرهای مستقل

متغیرهای مستقل		سطح معنی‌داری	خی دو	کراسکال والیس
خرده فرهنگ دهقانی	فقدان نوآوری	۰/۶۳۴	۰/۲۲۷	–
	تقدیرگرایی	۰/۰۲۷	۴/۸۶۰	–
	عدم توجه به آینده	۰/۴۴۷	۰/۵۷۷	–
	خانواده‌گرایی	۰/۱۲۵	–	۵/۷۳۸
	وابستگی به قدرت دولت	۰/۱۱۷	۲/۴۶۱	–
	عدم اعتماد در روابط شخصی	۰/۵۱۵	–	۱/۳۲۸
	شاخص خرده‌فرهنگ دهقانی	۰/۲۱۱	–	۳/۱۰۹

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-31]

شاخص مشارکت در ایام مذهبی با سه گویه در سطح ترتیبی سنجیده شده‌است: شرکت در جشن نیکوکاری، برگزاری مراسم عزاداری و شهادت و برگزاری مراسم اعیاد ملی و مذهبی.

نتایج به‌دست آمده از توزیع فراوانی پاسخ‌گویان نشان می‌دهد که اکثریت یعنی ۵۴/۵ درصد پاسخ‌گویان از لحاظ عینی یعنی شرکت در ایام مذهبی، در حد متوسط مشارکت دارند.

در جدول شمارهٔ ۵ آزمون معنی‌داری رابطهٔ بین متغیرهای مستقل و مشارکت در ایام مذهبی به‌عنوان متغیر وابسته آورده شده است.

جدول ۵: آزمون معنی‌داری رابطهٔ بین مشارکت در ایام مدهبی و سایر متغیرهای مستقل

متغیرهای مستقل		سطح معنی‌داری	تا او بی کندال	یومن ویتنی
خرده فرهنگ دهقانی	فقدان نوآوری	۰/۰۲۵	–	۴۷۴۵۵/۰۰۰
	تقدیرگرایی	۰/۰۲۷	–	۳۶۷۵۶/۵۰۰
	عدم توجه به آینده	۰/۰۱۲	–	۲۴۶۲۳/۵۰۰
	خانواده‌گرایی	۰/۰۰۱	۰/۱۱۲	–
	وابستگی به قدرت دولت	۰/۵۴۴	–	۴۹۸۸۲/۰۰۰
	عدم اعتماد در روابط شخصی	۰/۰۰۳	۰/۱۰۸	–
	شاخص خرده‌فرهنگ دهقانی	۰/۱۹۲	-۰/۰۵۱	–

در جدول شمارهٔ ۶ آزمون معنی‌داری رابطهٔ بین متغیرهای مستقل و مشارکت در بعد عینی به‌عنوان متغیر وابسته آورده شده‌است.

جدول ۶: آزمون معنی‌داری رابطهٔ بین مشارکت در بعد عینی و سایر متغیرهای مستقل

متغیرهای مستقل		سطح معنی‌داری	خی دو	کراسکال والیس
خرده فرهنگ دهقانی	فقدان نوآوری	۰/۵۱۰	۰/۴۳۴	–
	تقدیرگرایی	۰/۱۵۹	۱/۹۸۶	–
	عدم توجه به آینده	۰/۶۶۴	۰/۱۸۹	–
	خانواده‌گرایی	۰/۲۳۹	–	۴/۲۱۶
	وابستگی به قدرت دولت	۰/۲۰۸	۱/۵۸۵	–
	عدم اعتماد در روابط شخصی	۰/۰۰۵	–	۱۲/۶۴۷
	شاخص خرده‌فرهنگ دهقانی	۰/۲۲۸	–	۲/۹۵۷

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-31]

۵) نتیجه

موانع مشارکت در ایران را از لحاظ سیرتاریخی می‌توان در حداقل پنج دسته جای داد: موانع اقلیمی و جغرافیایی، تاریخی، اجتماعی، فکری ـ فرهنگی و شخصیتی.

با اینکه بعضی از این عوامل بیرونی هستند ولی به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در شکل‌گیری شخصیت افراد مؤثر می‌باشند. با توجه به اینکه بعضی از این عوامل جزء طبیعت ذاتی محیط جغرافیایی می‌باشند و همچنین در طول سال‌های متمادی شکل گرفته‌اند ولی با این حال بعضی از این عوامل قابل کنترل و در درازمدت قابل تغییر می‌باشند.

۵-۱) موانع اقلیمی و جغرافیایی

ایران به علت موقعیت جغرافیایی‌اش یکی از نواحی خشک و نیمه‌خشک به شمار می‌رود و همین وضعیت بالطبع برروی زندگی انسان‌هایی که در طول تاریخ در آن زیسته‌اند، تأثیرگذارده و آن را شکل داده‌است. نوع زندگی، شکل اجتماعات، مناسبات تولیدی، روابط مردم با یکدیگر، ساختار حکومت و سرانجام، پیشرفت یا بالعکس عقب‌ماندگی، رابطهٔ مستقیمی با شرایط محیطی کشور ایران پیدا می‌کند.

در این میان سه عامل برجستگی بیشتری دارد: پراکندگی اجتماعات در ایران، پیدایش نظام ایلی و چادرنشینی و بالاخره تمرکز قدرت در دست حکومت (زیباکلام، ۱۳۷۶: ۸۰-۷۵).

۵-۲) موانع تاریخی

نخستین مقوله به نوع شیوه‌ی تولید تاریخی جامعه‌ی ایران بازمی‌گردد. برخی از مهم‌ترین ویژگی‌های شیوه‌ی تولید آسیایی که توسط تنی چند از صاحب‌نظران مطرح شده‌اند، به قرار زیر می‌باشند:

- بیشتر متفکران مالکیت حکومت بر زمین را پذیرفته‌اند (ویتفوگل، وارگا، اشرف، سوداگر، اندرسون، کاتوزیان و خنجی)؛

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-31]

– نبود نظام طبقاتی بی‌انعطاف نیز از جمله ویژگی‌های جامعهٔ آسیاییِ متکی به شیوه‌ی تولید آسیایی عنوان شده است (خنجی، اشرف و کاتوزیان)؛
– فقدان جامعه‌ی مدنی به علت غلبهٔ حکومت مطلقه بر همهٔ عرصه‌های زندگی (اشرف و کاتوزیان)؛
– عدم امکان انباشت سرمایه توسط فرد در مقیاس وسیع و مهم‌تر از همه، عدم امکان تبدیل ثروت به قدرت سیاسی و منزلت اجتماعی (اشرف، سوداگر، وارگا و خنجی)؛
– غلبهٔ جمع بر فرد در تمامی عرصه‌های حیات (پیران) [همگی به نقل از پیروز، ۱۳۷۱: ۷۸)].

دومین مقوله بر نقش استبداد سیاسی تکیه دارد. هرچند که استبداد یا «دسپوتیسم» از ویژگی‌های تفکیک‌ناشدنی شیوه‌ی تولید یا نظام آسیایی قلمداد می‌شود و این دو موضوع در واقع دو روی یک سکه به‌حساب می‌آید. پویش تاریخی جامعهٔ ایران گویای این امر است که از دیرباز دو عامل اساسی بر تحولات تاریخی این مرز و بوم و بر ویژگی‌های ساختار اجتماعی آن تأثیر تعیین‌کننده داشته‌است.

در ایران، فرهنگ و نگرش سیاسی گروه حاکم به‌دلایل عمق تاریخی، اجتماعی و روان‌شناختی، نگرش پاتریمونیالیستی بوده که در آن، ساخت قدرت به‌عنوان رابطهٔ عمودی و آمرانه از بالا به پایین میان حکام و مردم تصور می‌شده‌است (بشیریه، ۱۳۷۸: ۲۹).

علاوه بر موانع درونزا، موانع برونزا نیز در عدم مشارکت و توسعه و شکل‌گیری دموکراسی در ایران مؤثر بوده‌اند. موانع خارجی از وضعیت نیمه‌استعماری و تحولات اقتصادی و سیاسی جامعهٔ ایرانی در شرایط سلطهٔ استعماری مایه می‌گیرد (اشرف، ۱۳۵۹: ۴۶).

باتوجه به عوامل تاریخی ذکرشده در بالا، مشخص است که ساختار روانی و شخصیتی افراد متناسب با فرهنگ و نوع زندگی حاکم بر آن شکل می‌گیرد و اجازه هر نوع تغییر و نوسازی را نمی‌دهد و روابط متقابل افراد بر عدم همدلی، بی‌اعتمادی و... شکل می‌گیرد.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-31]

۳-۵) موانع اجتماعی

- یکی از اصول ثابت توسعهٔ سیاسی و دموکراسی در هر جامعه این است که دولت تنها منبع فرهنگ اجتماعی نباشد و نهادهای غیردولتی در نظام اجتماعی، مؤثر و فعال باشند (سریع‌القلم، ۱۳۷۱: ۲۸). با ملحوظ داشتن این اصل، ملاحظه می‌کنیم که از دیرباز موانع اجتماعی اساسی در فرایند مشارکت و توسعهٔ جوامع آسیایی و از جمله ایران وجود داشته‌است.

- عدم شکل‌گیری گروه‌ها و طبقات مستقل از قدرت دولت به‌واسطهٔ حکومت‌هایی با قدرت مطلقه (مایلی، ۱۳۷۹: ۱۳۸-۱۳۷). یکی دیگر از عوامل اجتماعی مؤثر در رشد و پویایی مشارکت و دموکراسی در هر جامعه، وجود طبقات متوسط است که بی‌تردید در پیدایش و تکوین مقولهٔ مشارکت در غرب نقش‌آفرین بوده‌است. «در جامعهٔ ایران برخلاف جوامع غربی، طبقهٔ متوسط از یک سیر طبیعی برخوردار نبود.» (قادری، ۱۳۷۷: ۱۶۹). باوجود این، با توجه به تغییراتی که بعد از انقلاب نیز شاهد آن بودیم، کیفیت فرهنگی طبقهٔ متوسط چندان مطلوب نیست، به‌طوری که براساس پژوهش آر. دی. گاستیل دربارهٔ ویژگی‌های عمدهٔ فرهنگ سیاسی و نظام ارزشی در بین اقشار مختلف طبقهٔ متوسط ایران، فرهنگ سیاسی ایران زمینهٔ مساعدی برای مشارکت ایجاد نمی‌کند. در این پژوهش نشان داده شده‌است که ایرانیان معتقدند آدمیان طبعاً شرور و قدرت‌طلبند؛ همه چیز در حال دگرگونی و غیرقابل اعتماد است؛ آدمی باید نسبت به اطرافیانش بدبین و بی‌اعتماد باشد و حکومت، دشمن مردم است (گاستیل، ۱۹۷۵: ۳۲۵).

برخی دیگر از موانع اجتماعی عبارتند از:

- شکاف و چندپارگی‌ها (بشیریه، ۱۳۷۸: ۱۲-۱۱)؛
- ضعف انسجام اجتماعی (رفیع‌پور، ۱۳۷۶: ۴۲۰).

۴-۵) موانع فکری و فرهنگی

- ارتباطی کاملی بین واقعیت‌های اجتماعی و نظام فرهنگی و معرفتی مختلف وجود دارد

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-31]

و قالب‌های اجتماعی هر جامعه با ذهنیت و معرفت افراد آن جامعه همساز هستند. در ایران، روابط اجتماعی براساس دو عنصر زور و پذیرش زور در طول تاریخ، آن‌چنان تداوم داشته و تثبیت شده که به یک پدیدهٔ عمیق فرهنگی تبدیل گشته است، به‌طوری که با تغییر ساختار اجتماعی از دو قشری (ارباب و رعیت) به سه قشری و پیدایش قشر متوسط، این خصلت همچنان پابرجا و مستحکم مانده‌است (رفیع‌پور، ۱۳۷۶: ۳۸۶).

برخی دیگر از موانع فکری و فرهنگی در جامعهٔ ما عبارتند از:

- غایب بودن عنصر عقلانیت و تأکید بر مشیت نیروی غیرعقلانی در مناسبات اجتماعی؛
- عدم تحمل و مدارا و هم‌پذیری در میان بخش‌های مختلف (عظیمی ۱۳۷۸: ۹۷)؛
- ضدتوسعه‌ای بودن آموزش عمومی (عظیمی، ۱۳۷۸: ۷۹)؛
- موانع شخصیتی و روان‌شناختی.

یکی از جلوه‌های روابط عمودی استبدادی ـ آن‌طور که جامعه‌ی ایرانی در طی تاریخ تجربه کرده و در فرهنگ و خصوصاً تعلیم و تربیت ایران انعکاس یافته‌است ـ منش و خلق‌وخوی «پدرسالاری» است که نتیجهٔ تسلط ایلات و عشایر بر مقدرات کشور بوده‌است.

در اینجا به ذکر پاره‌ای از موانع شخصیتی و روان‌شناختی به‌صورت فهرست‌وار اشاره می‌شود:

- تمجید و تملق‌گویی در بین کارگزاران؛ نتایج تحقیقی نشان می‌دهند که با کمال تأسف، تملقات در قالب تبریکات و تسلیت‌ها، بعد از انقلاب اسلامی کاهش، و سپس از سال ۱۳۶۵ و در سال ۷۰ و ۷۱ بیش از زمان قبل از انقلاب بوده‌است (رفیع‌پور، ۱۳۷۶: ۳۹۷)؛
- تقدس‌گرایی، دوگانگی شخصیت، عاطفه‌گرایی در برابر خردگرایی، سنت‌گرایی در برابر نوگرایی، انفعال‌گرایی در برابر فعال‌گرایی، خاص‌گرایی در برابر عام‌گرایی، روحیهٔ مبتنی بر سلسله مراتب محول (عبداللهی، ۱۳۷۱: ۹) و روحیه‌ی تابعیت (فیروزراد، ۱۳۸۱: ۶۸).

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-31]

۶) بحث

چنان‌که مطالعات اسنادی ما نشان می‌دهد، می‌بینیم که عوامل پنج‌گانه بالا مانع شکل‌گیری اندیشه، شخصیت و روحیهٔ مشارکتی در مردم می‌شود.

با توجه به پیچیدگی و چند بعدی بودن مفهوم مشارکت اجتماعی و مدخلیت عوامل متعدد در مشارکت اجتماعی صرفاً تأکید بر یک دسته از عوامل چه در سطح خرد، یا میانه و حتی کلان نمی‌تواند تحلیل درستی در رابطه با مشارکت ارائه کند و از طرفی در بررسی موانع مشارکت اجتماعی در ایران اگر بخواهیم صرفاً جهات خاصی را مد نظر قرار دهیم، مطمئناً نتیجه‌گیری و تحلیل‌مان از موانع مشارکت در ایران بسیار سطحی و چه بسا دور از واقعیت باشد. اما باتوجه به این‌که تحقیقات چندانی در زمینه‌های مختلف مشارکت اجتماعی (خرد، میانه و کلان) صورت نگرفته‌است بنابراین ارائهٔ مدل جامعی که بتواند تمام سطوح مشارکت اجتماعی را تبیین کند عملاً کار غیرممکنی خواهد بود. هم‌چنان‌که در مقدمه بیان کردیم این مقاله سعی در آزمون تجربی نظریهٔ راجرز در زمینهٔ خرده‌فرهنگ‌های دهقانی داشته‌است تا با این کار، مقدمه‌ای برای آزمون نظریات سایر نظریه‌پردازان فراهم آورد تا از این طریق بتوانیم تحلیل جامعی از مشارکت اجتماعی ارائه نماییم. از طرفی با توجه به اینکه در جامعهٔ ایران شکاف بین دولت و ملت بسیار عمیق می‌باشد ـ چنان‌که سطح اعتماد مردم به سطوح کلان جامعه بسیار پایین می‌باشد ـ و از طرفی مردم معتقدند که در تصمیم‌گیری‌های سطح کلان جامعه نقشی ندارند و همچنین توزیع عادلانه امکانات و منابع در جامعه دیده نمی‌شود و از طرفی دولت با مخالفان خود به مدارا و تساهل برخورد نمی‌کند، اینها دلایلی است که نشان‌دهندهٔ شکاف بین دولت و ملت می‌باشد. همچنین به دلیل اینکه تمایزپذیری در سطوح مختلف اجتماعی دیده نمی‌شود، بنابراین بسنده کردن به بررسی میدانی برای تحلیل موانع مشارکت اجتماعی راهگشا نخواهد بود بلکه باید از لحاظ سیر تاریخی نیز مورد مداقه قرار گیرد. چنان‌که در مبحث نخست از تحلیل‌مان در رابطه با موانع مشارکت اجتماعی در ایران؛ به چند عامل مهم در عدم تحقق مشارکت اجتماعی در ایران اشاره کردیم.

آن‌چه در بررسی میدانی و جمع‌آوری اطلاعات از شهروندان توسط پرسش‌نامه، در

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-31]

سطح خرد به‌دست آمده، مشخص می‌کند که هرچند تا حدودی تغییراتی در سطح خرد و شخصیتی افراد مشاهده می‌شود. ولی با این حال، از لحاظ شخصیتی شهروندان تا حدودی دارای خرده‌فرهنگ دهقانی می‌باشند. چنان‌که شهروندان تقدیرگرایند، در روابط شخصی به‌یکدیگر بی‌اعتمادند و عدم نوگرایی و تا حدودی خانواده‌گرایی در بین شهروندان دیده می‌شود، هرچند آنها خود را وابسته به قدرت دولت نمی‌دانند که این نیز خود، ناشی از عدم اعتماد به دولت می‌باشد.

چنان‌که نتایج نشان می‌دهد هر چند شهروندان از لحاظ بعد ذهنی تاحدی تمایل به مشارکت دارند اما جهت مشارکت منفی می‌باشد. از طرفی، مشارکت شهروندان در بعد عینی بسیار ناچیز می‌باشد. بنابراین همان‌طور که از نتایج تحقیقات مشخص شده‌است تفاوت چندانی از لحاظ خرده‌فرهنگ‌های دهقانی بین شهروندان دیده‌نمی‌شود و همین امر سبب شده‌است که ما تفاوتی را از لحاظ سطح مشارکت در بعد عینی و ذهنی بین شهروندان مشاهده نکنیم.

بنابراین با توجه به موانع مورد اشاره در رابطه با عدم تحقق مشارکت اجتماعی و شناخت ما نسبت به این عوامل، انجام این تحقیق در سطح ایران ضروری به‌نظر می‌رسد.

در خاتمه به‌طور خلاصه اهم نتایجی که از فرضیات تحقیق به‌دست آمده‌است را به شرح ذیل بیان می‌کنیم:

- بین ویژگی‌های شخصیتی افراد (ویژگی‌های خرده‌فرهنگ دهقانی) و مشارکت اجتماعی تاحدی رابطهٔ معنی‌داری وجود دارد.
- بین خرده‌فرهنگ دهقانی و تمایل ذهنی به مشارکت اجتماعی رابطهٔ معنی‌داری وجود دارد، به‌طوری‌که جهت رابطه منفی می‌باشد؛ بدین‌صورت که هرچه افراد دارای خرده‌فرهنگ دهقانی کمتری باشند تمایل ذهنی بیشتری به مشارکت اجتماعی دارند.
- بین خرده‌فرهنگ دهقانی و مشارکت اجتماعی در بعد عینی رابطهٔ معنی‌داری وجود ندارد که این عدم ارتباط ناشی از عواملی چون عدم اعتماد به نهادهای سطح کلان و عدم فراهم کردن شرایط لازم برای مشارکت می‌باشد.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-31]

منابع

References

۱. آریانپور، عباس. (۱۳۷۱)، **فرهنگ دانشگاهی انگلیسی ـ فارسی**، تهران، انتشارات امیرکبیر.

۲. اشرف، احمد. (۱۳۵۹)، **موانع تاریخی رشد سرمایه‌داری در ایران(دوره‌ی قاجار)**، تهران، انتشارات زمینه.

۳. بشیریه، حسین. (۱۳۷۸)، **جامعه‌ی مدنی و توسعه‌ی سیاسی در ایران**، تهران، مؤسسه نشر علوم نوین.

۴. پیران، پرویز. (۱۳۷۶)، **شهر و شهروندمدار**، تهران، ماهنامه اطلاعات سیاسی ـ اقتصادی، شماره ۱۱۹و ۱۲۰.

۵. پیران، پرویز. (۱۳۸۰)، **آسیب‌شناسی شورا در ایران: جمع‌بندی مطالعات انجام‌شده در تدوین منشور شهر تهران**، تهران، دبیرخانه منشور شهر تهران.

۶. پیران، پرویز. (۱۳۸۱)، **شورا در ایران: نگاهی آسیب‌شناسانه**، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، تهران، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.

۷. پیروز، پوریا. (۱۳۷۱-۱۳۷۰)، **موانع توسعه در ایران: برخی عوامل تاریخی**، تهران، مجلهٔ اطلاعات سیاسی ـ اقتصادی، سال ششم، شماره‌های ۱،۲،۷،۸،۹،۱۰،۱۱،۱۲.

۸ . توسلی، غلامعباس. (۱۳۷۱)، **طرح آسیب‌ها و انحرافات و رابطه آن با مشارکت اجتماعی**، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران.

۹. توسلی، غلامعباس. (۱۳۷۹)، **ویژگی‌های رفاهی و فرهنگی کارکنان صنعتی اراک و مسئله مشارکت**، فصلنامه پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی آشتیان.

۱۰. حاجی آقایی، فرخنده. (۱۳۶۶)، **مشارکت و بررسی یک نمونه آن در ایران و یوگسلاوی**. پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد، تهران، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.

۱۱. رفیع‌پور، فرامرز. (۱۳۷۶)، **توسعه و تضاد**، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.

۱۲. زالی، زهرا. (۱۳۷۶)، **بررسی رابطه نظرات در مورد رضایت شغلی و مشارکت آنها در تصمیم‌گیری در دبیرستان دخترانه عادی شهر تهران**. پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه شهید بهشتی تهران.

۱۳. زیباکلام، صادق. (۱۳۷۶)، **ما چگونه ما شدیم**، تهران، نشر روزنه.

۱۴. ساروخانی، باقر. (۱۳۷۳)، **روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی**، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ج اول.

۱۵. سریع‌القلم، محمود. (۱۳۷۱)، **اصول ثابت توسعه‌ی سیاسی**، مجلهٔ اطلاعات سیاسی ـ اقتصادی، سال ششم و هفتم.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-31]

منابع References

۱۶. سریع‌القلم، محمود. (۱۳۷۷–۱۳۸۸). **مبانی عشیره‌ای فرهنگ سیاسی ایران**، تهران، فصلنامه اطلاعات سیاسی ـ اقتصادی شماره ۱۳۶–۱۳۵.

۱۷. عبداللهی، محمد. (۱۳۷۱–۱۳۷۲)، **جایگاه و نقش آموزش و پرورش در فرآیند توسعه‌ی ملی ایران**، تهران، فصلنامهٔ علوم اجتماعی، شماره ۳ و ۴.

۱۸. عظیمی، حسین. (۱۳۶۹)، **مسائل اساسی در باسازی و توسعه‌ی اقتصادی ایران**، مجله‌ی مدرس، شمارهٔ ۱.

۱۹. عظیمی، حسین. (۱۳۷۸)، **ایران امروز در آینه‌ی مباحث توسعه**، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

۲۰. عظیمی، لیلا. (۱۳۸۰)، **بررسی عوامل موثر بر مشارکت اجتماعی زنان مطالعه موردی: زنان شهر شیراز**، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، شیراز، دانشگاه شیراز.

۲۱. عنبری، موسی. (۱۳۷۸)، **ارتباط زمینه‌های خانوادگی دانشجویان با مشارکت اجتماعی آنان؛ مورد مطالعه دانشجویان دانشگاه تهران**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.

۲۲. فرهادی، مرتضی. (۱۳۷۳)، **فرهنگ یاریگری در ایران: درآمدی بر مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی تعاون**، تهران، نشر دانشگاهی.

۲۳. فیروزراد، علی. (۱۳۸۱)، **موانع استقرار دموکراسی در ایران، (از کتاب دولت، مردم و همگرایی نوشته فردرو، محسن)**، تهران، آن.

۲۴. قادری، حاتم. (۱۳۷۷)، **موانع مشارکت سیاسی در ایران، (از کتاب مشارکت سیاسی، نوشته علی‌خان و دیگران)**، تهران، نشر سفیر.

۲۵. لمبتون. ر.ک.ا.ک.س. (۱۳۳۹)، **مالک و زارع در ایران**، (منوچهر امیری)، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

۲۶. کاتوزیان، محمدعلی (همایون). (۱۳۷۶)، **حکومت خودکامه: نظریه‌های تطبیقی دربارهٔ دولت، سیاست و جامعه ایران**، (علی‌رضا طیب)، تهران، مجله اطلاعات سیاسی ـ اقتصادی.

۲۷. کاتوزیان محمدعلی(همایون). (۱۳۷۷)، **اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا پایان سلطه‌ی پهلوی** (نفیسی و عزیزی)، تهران، نشر مرکز.

۲۸. کریمی، زهرا. (۱۳۷۲)، **برخی موانع توسعه در ایران**، از کتاب توسعه، ج پنجم.

۲۹. کوثری، مسعود. (۷۵،۱۳۷۷)، **بررسی تأثیر انسجام اجتماعی بر میزان مشارکت روستاییان خراسان**، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

۳۰. مایلی، محمدرضا. (۱۳۷۹)، **نظام سیاسی و توسعه: بررسی موردی نقش نظام**

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-31]

منابع

References

سیاسی در روند توسعه ایران ۵۷-۱۳۴۲، تهران، نشر ارائه.

۳۱. محسنی‌تبریزی، علی‌رضا. (۱۳۷۵)، **بیگانگی مانعی برای مشارکت و توسعه ملی، بررسی رابطه میان بیگانگی و مشارکت اجتماعی سیاسی**، نامه پژوهش، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، شماره ۱، تهران، مرکز پژوهش‌های بنیادی وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی.

32. Dube, S.C.(1958), **India's changing village: Human Factor in Community Development**, Ithaca N.Y. Cornen University press.

33. Gastil, R.D. (1975), **Middle Glass Impediments to Modernization**, Public Opinion Quorterty, Vol.22.

34. Lakashmana, Rao. Y.C. Rac. (1963), **Communication and Development: Study of two Indian village**, Ph.D. Disseration, Minneapolis, University of Minnesota.

35. Levi, C. (1947) **Christ Stopped Teboli**, New York, Farrer smus.

36. Pye, Lucian. Verba, Sidney. (1965), **Political Culture & Political Development**, Princeton, Princeton University Press.

37. Redfield, R. Tepoztlain. (1930), **A Mexican Village**, Chicago, University of Chicago Press.

38. Tamous. (1956), **Technical Exchange and Cultural Values: Case of The Middle East**, Rural Sociology, Vol 21, No 1.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-31]

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-31]

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-31]

کتابخانه



[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-31]